

نوعثمانی گری به مثابه جریان معارض مقاومت اسلامی: مطالعه موردی داعش

مهدی نادری * ID استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
شهره پیرانی ID استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
سیده مهرانه ساداتی دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

رشد گفتمان نوعثمانی گرایی را می‌توان از دوره اوزال دانست که با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، این گفتمان با دال مرکزی اسلام لیبرال به اوج خود رسید. بعد از تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، سیاست نوعثمانی گرایان ترکیه در قبال بحران سوریه و مقاومت اسلامی شکل گرفته علیه تروریست‌هایی مانند داعش، با فرازونشیب‌های جدی روبرو بود. سؤال پژوهش این است که دلایل تقابل جریان نوعثمانی گری با مقاومت اسلامی با تاکید بر مسأله داعش چیست؟ (مسئله) پژوهش حاضر مبتنی بر چارچوب نظری گفتمان و کاربست روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. (روش) نگارندگان نوعثمانی گرایی را به‌عنوان جریانی معارض با مقاومت اسلامی مفروض دانسته و معتقدند نوعثمانی گرایان حزب عدالت و توسعه، در عین التزام به اسلام لیبرال به‌عنوان دال مرکزی نوعثمانیسم، در مقاطع و بحران‌های مختلف، به برجسته کردن یکی از دال‌های شناور این گفتمان از جمله سکولاریسم، ناسیونالیسم، پراگماتیسم و توازن رابطه با شرق و غرب پرداختند. در عرصه نظر، گفتمان نوعثمانی گرایی با دال مرکزی اسلام لیبرال را می‌توان در مقابل اسلام سیاسی گفتمان مقاومت اسلامی در نظر گرفت. در جریان بحران سوریه نیز، نوعثمانی گرایان، با حمایت از گروه‌های معارض جریان مقاومت اسلامی از جمله داعش، در صدد برآمدند تا با غیریت‌سازی و تقابل با گفتمان مقاومت اسلامی که مبتنی بر اسلام سیاسی است، بتوانند گفتمان خود را در جهان اسلام گسترش و نهادینه کنند. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی، اسلام لیبرال، داعش، مقاومت اسلامی، نوعثمانی گرایی.

دریافت: ۱۴۰۱-۰۴-۰۷

* نویسنده مسئول m.naderi@shahed.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۱-۱۱-۰۹

صفحات مقاله: ۱۱۷-۱۵۲

مقدمه

با تحول در نظام بین الملل و اهمیت یافتن منطقه گرای، کشورهای غرب آسیا در صدد رسیدن به قدرت برتر منطقه ای می باشند. در این راستا، ترکیه را می توان به عنوان یکی از کشورهایی دانست که بعد از به قدرت رسیدن نو عثمانی گرایان حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، داعیه ام القریایی جهان اسلام را در سر می پروراند. بدین منظور، این کشور با استراتژی عمق راهبردی و سیاست تنش صفر با همسایگان داوود اوغلو، در صدد ارائه الگویی از مدل حکمرانی خود در کشورهای اسلامی، نفوذ در جهان اسلام و در نهایت احیای امپراتوری عثمانی می باشد. بنابراین، ترکیه را می توان به عنوان یک بازیگر فعال در جهان اسلام دانست که برای نیل به اهداف خود، در رقابت و گاهی تقابل با سایر قدرت های منطقه ای مانند ایران و عربستان بر می آید.

از سویی دیگر، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای محافظه کار و غرب گرای جهان اسلام به دلیل نگرانی از نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی بر جوامع اسلامی و به خطر افتادن منافع خود و نظام سلطه، علیه جمهوری اسلامی اقدام به اجماع منطقه ای نمودند. جمهوری اسلامی نیز مبتنی بر مؤلفه حمایت از مستضعفین جهان و مبارزه با نظام سلطه و استبداد و استکبار جهانی در گفتمان انقلاب اسلامی، در راستای موازنه بخشی به اقدامات وابستگان نظام سلطه در منطقه غرب آسیا، با حمایت از بازیگران دولتی و غیردولتی که مخالف امپریالیسم جهانی بودند، سنگ بنای محور مقاومت اسلامی را نهاد.

بعد از تحولات بیداری اسلامی که منجر به شکل گیری دو محور مقاومت و محور غربی - عربی - عبری شد، کنشگری نو عثمانی گرایان ترک به ویژه در قبال بحران سوریه و مقاومت اسلامی شکل گرفته علیه تروریست هایی مانند داعش، قابل توجه بوده و همچنین با فرازونشیب های جدی روبرو شد. سؤال پژوهش این است که دلایل تقابل جریان نو عثمانی گری با مقاومت اسلامی با تاکید بر مساله داعش چیست؟ پژوهش حاضر، با اتخاذ چارچوب نظری گفتمان و کاربست روش کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ به سوال اصلی است. نگارندگان، گفتمان های نو عثمانی گرای و مقاومت اسلامی را در تعارض و تقابل با یکدیگر دانسته به طوری که در جریان بحران سوریه، نو عثمانی گرایان، با حمایت از گروه های معارض جریان مقاومت اسلامی از جمله داعش، در پی کسب منافع و گسترش گفتمان خود در کشورهای اسلامی بودند.

الف) پیشینه پژوهش

در راستای پاسخ به سؤال پژوهش، لازم است به مرور پیشینه موضوع پردازیم. اوادکولادیمیرالکسیویچ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «نوعثمانی‌گرایی به‌عنوان دکترین کلیدی ترکیه‌مدرن» با تشریح ماهیت نوعثمانی‌گرایی، به تحلیل نقش این گفتمان در سیاست خارجی ترکیه پرداخته و معتقد است نوعثمانی‌گرایی یک استراتژی جدید و غیررسمی سیاست خارجی ترکیه بوده که در حال پیگیری است. وی در این مقاله به مواضع ترکیه در قبال داعش نمی‌پردازد.

الکساندر مورینسون (۲۰۰۶) در مقاله «دکترین عمیق استراتژیک سیاست خارجی ترکیه» ضمن بررسی منابع نهادی، فلسفی و ایدئولوژیک نوعثمانی‌گرایی، معتقد است سیاست خارجی ترکیه از زمان اوزال، از کمالیسم به سمت نوعثمانی تغییر پارادایم داده است. اصطلاح نوعثمانی توسط چنگیز کانداز، یک دانشگاهی برجسته ترک معرفی شد. این یک جنبش فکری بود که از پیگیری سیاست خارجی فعال ترکیه در منطقه براساس میراث تاریخی عثمانی حمایت می‌کرد. عثمانی‌های نو، ترکیه را به‌عنوان رهبر جهان اسلام و ترک و یک قدرت مرکزی در اوراسیا تصور می‌کردند. از آن دوره، بدنه سیاسی ترکیه به‌طور فزاینده‌ای فلسفه نوعثمانی‌گرایی را پذیرفت. نویسنده در این مقاله به سیاست خارجی ترکیه در قبال مقاومت اسلامی اشاره‌ای ندارد.

هیل و ازیدن (۲۰۱۰) در کتاب «اسلام‌گرایی، دموکراسی و لیبرالیسم در ترکیه؛ مطالعه موردی حزب عدالت و توسعه» به تشریح جامعی از حزب عدالت و توسعه، نه تنها از بعد ایدئولوژیک بلکه از حیث مبنای اجتماعی و عملکرد آن در صحنه‌های اصلی سیاست می‌پردازد. نویسندگان معتقدند با وجود اینکه اکثر رهبران ارشد حزب عدالت و توسعه دارای زمینه‌های اسلام‌گرایی هستند، اما آنها در قالب یک حزب دموکراتیک میانه‌رو، راست میانه و محافظه کار رفتار می‌کند که کاملاً متعهد به دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا است. این کتاب به سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در قبال گروه‌های مقاومت اسلامی پرداخت.

یاووز (۱۹۹۸) در مقاله «هویت ترکی و سیاست خارجی در نوسان: رشد نوعثمانی‌گرایی» استدلال می‌کند روابط بین الملل صرفاً جنگ‌های قدرت از پیش تعیین شده و موازنه‌های ناشی از معمای امنیت نیست بلکه هویت ملی و جهت‌گیری آن، نقش حیاتی در روابط بین الملل داشته و اصطلاح منافع ملی به صورت اجتماعی در درون گفتمان‌های هویت ملی ساخته می‌شود. وی معتقد است شکل جدید هویت سیاسی ترکیه را می‌توان گفتمان سیاسی نوعثمانی (ترکی-اسلامی) نامید

که منافع ملی ترکیه را شکل می‌دهد. به علاوه، وی موضوع اصلی این گفت‌وگو را، ایدئولوژی اسلامی متکثر و پوپولیستی دانسته است که به سطحی از توسعه اقتصادی و سیاسی دست می‌یابد و با اکثر کشورهای مسلمان مطابقت ندارد. در این مقاله به مباحث مربوط به نسبت نو‌عثمانی و مقاومت اسلامی اشاره‌ای نشده است.

یاووز (۲۰۲۰)، در کتاب «نو‌ستالژی برای امپراتوری، سیاست‌های نو‌عثمانی گرای» به بررسی کامل جریان‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و ایدئولوژیکی که از مفهوم عثمانی‌گرایی حمایت می‌کنند، می‌پردازد و معتقد است حزب عدالت و توسعه سعی کرد با بازتولید گفت‌وگوهای و افتخارات گذشته امپراتوری، خصلت اسلامی آن را در داخل امپراتوری-برخلاف شخصیت بین‌المللی آن- احیا کند. نویسنده به تأثیر نو‌عثمانی‌گرایی در سرزمین‌های عثمانی، از دانوب تا خلیج فارس و از قفقاز تا مغرب اشاره می‌کند. یاووز به سیاست‌های ترکیه در قبال داعش اشاره‌ای ندارد.

بوستین‌چی و متقی (۱۳۹۰) در مقاله «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل» با تأکید بر اینکه زبان سیاسی انقلاب اسلامی ایران، عامل مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ است، به بررسی مولفه‌های فرهنگ سیاسی ایران که عامل اصلی تولید زبان سیاسی مقاومت اسلامی است می‌پردازد. نویسندگان صرفاً به مباحث مربوط به مقاومت اسلامی پرداخته و اشاره‌ای به سیاست‌های ترکیه ندارد.

انسیتو تحقیقات استراتژیک روسیه (۱۳۹۶) با انتشار کتابی تحت عنوان «داعش، تهدیدی برای امنیت بین‌المللی» به بررسی ایدئولوژی و ساختار تشکیلاتی داعش و سیاست‌های کشورهای مختلف در قبال داعش می‌پردازد. نویسندگان معتقدند بی‌ثباتی و گسترش مناقشه در خاورمیانه به همراه بحران‌های دائمی سیاسی-اقتصادی که منجر به جنگ‌های داخلی و درگیری‌های مسلحانه می‌شود، شرایط مناسبی را جهت رشد داعش فراهم آورده است. این کتاب، به تشریح سیاست‌های دوگانه ترکیه در قبال داعش نیز پرداخته است.

قاسمی (۱۳۹۵) در مقاله «استراتژی ترکیه در قبال داعش» به تحلیل سیاست‌های ترکیه در بحران سوریه پرداخته و معتقد است رفتار رهبران ترکیه ناشی از نبود گزینه‌های مطلوب و نگرانی‌های امنیتی این کشور بوده و بدین ترتیب در قبال داعش سیاست انفعال و اغماض را اتخاذ کرد. مقاله به مباحث گفت‌وگوهای حزب عدالت و توسعه نیز پرداخته است.

در مجموع، بررسی آثار تالیف شده نشان می‌دهد که در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، نوع‌ثمنانی‌گرایی را به مثابه جریان معارض مقاومت اسلامی مورد مذاقه قرار نداده است. فلذا، مقاله حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد.

ب) چارچوب نظری

از آنجایی که هر یک از گفتمان‌های مقاومت اسلامی و نوع‌ثمنانی‌گرایی به تنهایی دارای عناصر یک گفتمان می‌باشد، می‌توان آنها را در قالب تحلیل گفتمان بررسی کرد. گفتمان‌ها ذاتاً سیاسی‌اند، چون مبتنی بر خصومت و ترسیم مرزهای بین خودی و غیر خودی می‌باشند. به عقیده لاکلاو و موف هر عملی برای معنادار شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار بگیرد. گفتمان به کلیت ساختاردهی شده‌ای گفته می‌شود که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود. از مفاهیم اساسی نظام معنایی گفتمان لاکلاو و موف، عمل مفصل‌بندی است که به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی جدید گفته می‌شود (منوچهری، ۱۳۹۴، ۱۰۸-۱۰۶). دال مرکزی به نشانه‌ای می‌گویند که سایر نشانه‌ها در ارتباط و پیوند با آن معنا می‌یابند (منوچهری، ۱۳۹۴، ۱۰۸). به نشانه‌هایی که گفتمان‌ها به روش خاص خود در صدد معنابخشی به آن هستند، دال‌های شناور می‌گویند (خواججه‌سروری، رحمنی، ۱۳۹۲، ۱۲۹).

عناصر، دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. در صورتی که عناصر در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شوند، تبدیل به وقته می‌شوند. وقته‌ها، عناصری هستند که معانی موقت می‌یابند. مفهوم بعدی، مفهوم انسداد است که جهت تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی آن‌ها به یک معنای تثبیت شده به کار گرفته می‌شود (منوچهری، ۱۳۹۴، ۱۱۳-۱۱۲).

با توجه به اینکه مفروض نظریه گفتمان، تکرار ذاتی جامعه است، هر گفتمان می‌تواند مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در یک زنجیره هم‌ارزی، در کنار هم و در مقابل هم قرارداد و از این طریق به آنها معنا بخشید (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ۲۱-۲۰). در مقابل، تفاوت، بر تمایزات و مرزهای موجود در بین نیروهای اجتماعی اشاره دارد. در منطق تفاوت، مفهوم خصومت و غیر، اهمیت می‌یابد (منوچهری، ۱۳۹۴، ۱۱۳).

در نظریه گفتمان، جهت بیان چگونگی تکوین و هم‌ژمونیک شدن یک گفتمان، لازم به غیریت‌سازی است (حجازی، بهرامی، ۱۳۹۸، ۹). در غیریت‌سازی لزوماً نیازی به سرکوب نبوده و غیر می‌تواند هم به عنوان رقیب تعریف شود و هم به عنوان غیر در ایجاد هویت نقش آفرینی کند

(منوچهری، ۱۳۹۴، ۱۲۰-۱۱۷). مفهوم دیگر، مفهوم «بی‌قراری یا ازجاشدگی» می‌باشد که به بحران‌هایی اشاره دارد که سبب به چالش کشیدن هژمونی گفتمان‌ها می‌شود. این مفهوم از یک سو، با زوال هژمونی گفتمان حاکم، شرایط را جهت پیدایش سوژه‌ها و مفصل‌بندی‌های جدید مهیا می‌کند و از سویی دیگر، سبب بازسازی گفتمان حاکم می‌شود (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ۲۷).

دو مفهوم قابلیت‌دسترسی و اعتبار، جهت توضیح چگونگی موفقیت گفتمان‌ها اهمیت دارد. قابلیت‌دسترسی در صدد تبیین پیروزی یک گفتمان در شرایط بحرانی است و اعتبار نیز در پی نشان‌دادن سازگاری اصول پیشنهادی یک گفتمان با اصول اساسی آن گروه اجتماعی می‌باشد (منوچهری، ۱۳۹۵، ۱۱۱-۱۱۰). بنابراین، زمانی یک دال، هژمونیک می‌شود که در اجتماع بر سر معنایی خاص برای یک دال، اجماع به وجود آید و سرانجام با هژمونی‌شدن دال‌های گفتمانی ویژه، کل آن گفتمان به گفتمان هژمون بدل می‌شود.

از این رو، هر گفتمان در پی آن است که کدام گروه، می‌تواند به تعریف و تنظیم قواعد یک گفتمان بپردازد، مرزهای گفتمانی خود را مشخص کند و به عناصر مفصل‌بندی‌شده، معنایی جدید بدهد (عضدانلو، ۱۳۸۰، ۱۷). در این راستا، دو گفتمان مقاومت اسلامی و نو عثمانی‌گرایی به عنوان یک گفتمان، متشکل از نشانه‌هایی به هم پیوسته می‌باشند که در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند.

ج) گفتمان نو عثمانی‌گرایی

۱) زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان نو عثمانی‌گرایی

عثمانی‌گرایی به عنوان یک سیاست دولتی در مراحل زوال امپراتوری عثمانی ظهور کرد. هدف آن ایجاد هویتی مشترک در میان گروه‌های قومی-مذهبی متنوع تحت حکومت امپراتوری عثمانی بود که سبب مواجهه آسان‌تر با چالش‌های داخلی و بین‌المللی ناشی از ناسیونالیسم و استعمار می‌شد. بنابراین، بیشتر بر مسائل داخلی متمرکز بود و ماهیت دفاعی داشت. بعدها، نو عثمانیسم به دلیل مشکلات اقتصادی یا امنیتی که ترکیه باید با آن مقابله می‌کرد، بیشتر متوجه سیاست خارجی ترکیه شد. افزایش نفوذ ترکیه بر قلمروهای سابق امپراتوری عثمانی نه تنها منافع زیادی برای ترکیه داشت، بلکه برای حفظ حمایت آمریکا نیز ضروری بود، چیزی که دولت‌های حاکم بر ترکیه آن را برای امنیت خود حیاتی می‌دیدند. از این رو، نو عثمانی‌گرایی به نوعی ماهیتی تهاجمی یافت (Albayrak, Turan, 2016: 131). بدین ترتیب، در حالی که هدف عثمانی‌گرایی، نجات امپراتوری عثمانی از تجزیه و ایجاد اصلاحات در امپراتوری از طریق

دینامیک‌های داخلی و پیوند اسلام و دموکراسی در سیاست بود، نوعثمانی‌گرایی را می‌توان به‌عنوان تلاشی برای افزایش نفوذ ترکیه بر کشورهای اطراف آن، غالباً با استفاده از قدرت نرم دانست.

بنابراین، پس از پایان جنگ سرد، تلاش‌های ترکیه برای اتخاذ سیاست خارجی چندبعدی و توجه به خاورمیانه و بالکان، ریشه در گفتمان نوعثمانی دارد که در دوره حزب عدالت و توسعه به بلوغ می‌رسد. در این مبحث، نگارندگان در پی نشان‌دادن سیر رشد و تکوین گفتمان نوعثمانی‌گرایی در دوره‌های حاکمیت احزاب مختلف بر ترکیه مانند حزب دموکرات، وطن و عدالت و توسعه هستند که بدین شرح است:

۱-۱) حزب دموکرات ترکیه: این حزب به رهبری عدنان مندرس در دهه ۵۰ میلادی به قدرت رسید. حزب دموکرات از یک سو، موضع نزدیک‌تر به اسلام داشته و به مردم اجازه داد تا به اموراتی از قبیل: تلاوت آیات قرآن در رسانه‌های گروهی، پخش اذان به زبان عربی در مساجد و تأسیس مدارس دینی بپردازند. از سوی دیگر، در سیاست خارجی به دلیل تعداد کم کشورهای مستقل و نفوذ انگلیس در منطقه، روابط محدودی با خاورمیانه داشت. با پایان جنگ جهانی دوم، حزب دموکرات در عین وابستگی به ایالات متحده، به دنبال «سیاست فعال آسیایی» بود. این حزب در مورد خاورمیانه سه هدف اصلی داشت: تضمین امنیت و ثبات، دستیابی به راه‌حل قابل قبول در مناقشه اعراب و اسرائیل و جلوگیری از ورود کمونیسم به منطقه. در طول جنگ سرد، هدف مندرس تقویت روابط ترکیه با غرب از طریق دخالت در خاورمیانه بود، خاورمیانه‌ای که نفوذ بریتانیا در آن در حال محو شدن بود و توسعه شوروی برای غرب یک تهدید واقعی تلقی می‌شد. از سویی دیگر، چالش ظهور ایدئولوژی بعث بود که ایدئولوژی ضد غربی بود. رهبران حزب دموکرات به دلیل در حال ظهور بودن یک نظام بین‌المللی جدید، مایل بودند ایفای نقش در خاورمیانه را تحت حمایت ناتو و آمریکا انجام دهند (Albayrak, Turan, 2016: 141-144). در حالی که اگر بخواهیم رویکرد این حزب را در قبال خاورمیانه، در چارچوب نوعثمانی‌گرایی تحلیل کنیم، واضح است که نیازهای امنیتی ترکیه یکی از اصلی‌ترین دلایل گرایش به خاورمیانه بوده است. با این تفاوت که ترکیه قصد داشت نفوذ خود را با اتکای صرف به آمریکا انجام دهد که در نهایت سبب وابستگی بیشتر به آمریکا و بدتر شدن روابط با دول منطقه شد. بدین ترتیب، می‌توان گفت ترکیه در دوره حزب دموکرات، فاقد سیاستی نظامند در قبال خاورمیانه بوده و با شکست مواجه شد.

۱-۲) حزب وطن: این حزب توسط تورگوت اوزال، در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد. اوزال رویکردی نوعثمانی گرایانه داشته و درصدد احیای امپراتوری عثمانی و وحدت در بین گروه‌های مختلف قومی، نژادی و فرهنگی برآمد. این درشرایطی بود که پایان جنگ سرد سبب کاهش اهمیت راهبردی ترکیه نزد غرب، کاهش کمک‌های اقتصادی غرب به ترکیه و انتقادات روبه‌رشد اروپا از حقوق بشر در این کشور شد. این وقایع باعث شد ترکیه درصدد بازتعریف نقش خود در نظام بین‌الملل برآید (Albayrak, Turan, 2016:131). درواقع، اوزال توانست مبتنی بر هویت‌ها و خاطرات مشترک یا منافع مشترک، نقش دولت را در ارتباط مجدد با کشورهای منطقه بازتعریف کند. نوعثمانی گرایی اوزال دارای چهار بعد درهم تنیده بود: نخست، مفصل‌بندی مجدد ناسیونالیسم ترک در قالب اسلام گرایی عثمانی و تحمل بیشتر تنوعات سیاسی و فرهنگی (به‌ویژه نسبت به کردها)، همانطور که در دوران عثمانی انجام می‌شد؛ دوم، مفصل‌بندی مجدد سکولاریسم از نظر شناخت نقش دولت محور و بازار محور اسلام؛ سوم، تلاش برای از بین بردن مرزهای اقتصادی از طریق تجارت آزاد بین کشورهای بالکان، قفقاز و خاورمیانه؛ و چهارم، توسعه روابط نزدیکتر با جوامع مسلمان و ترک در کشورهای همسایه بود (Yavuz, 2020:124-125). از این رو، اوزال را می‌توان از اولین رهبران نوعثمانی گرایی در ترکیه مدرن دانست.

شخصیت کاریزماتیک و رهبری اوزال عامل مؤثر بر تغییرات سیاست خارجی ترکیه در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بود که مانع مقابله ارتش ترکیه با وی می‌شد. اوزال پس از تشریح برخی از تغییرات ایجادشده در زمان خود، گفت این اصلاحات محصول یک ذهنیت جدید است. اوزال از یک سو، سیاست فعالی را در زمینه منطقه‌ای دنبال کرد که عبارتند از: ابتکار منطقه همکاری اقتصادی دریای سیاه، مشارکت فعال در سازمان کنفرانس اسلامی و از سوی دیگر، اوزال روابط خود را با اتحادیه اروپا با هدف کاهش وابستگی ترکیه به ناتو و آمریکا تشدید کرد. رهبری اوزال هویت ترکیه را از یک رژیم کاملاً سکولار و غربگرا، به یک دولت تکنولوژیک غرب‌گرا اما از نظر فرهنگی، شرق‌گرا تبدیل کرد. درواقع، رهبری سنتی ترکیه که مبتنی بر ناسیونالیسم سخت، سکولاریسم و درک اقتدارگرایانه بوروکراتیک بود، با مخالفت اوزال مواجه شد، اما پس از مرگ وی نیز کمرنگ شد (Ataman, 2003:49-50). درواقع، سیاست خارجی اوزال را می‌توان فارغ از دغدغه‌های ایدئولوژیک، اقتصاد محور، عملگرا، چندبعدی و فعال دانست.

در یک ارزیابی کلی، سیاست خارجی حزب وطن به رهبری اوزال، مبتنی بر منفعت‌گرایی و عملگرایی بوده و پرواضح است که اوزال قصد داشت با چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، توان چانه‌زنی خود را برای عضویت در اتحادیه اروپا و نقش آفرینی در نظام بین‌الملل افزایش دهد. بدین ترتیب، می‌توان چنین رویکردی به سیاست خارجی را مبتنی بر اندیشه نوع‌ثمنانی‌گرایی اوزال دانست.

۱-۳) حزب رفاه: این حزب به‌عنوان اولین حزب اسلام‌گرا در ترکیه بود که در سال ۱۹۹۵ به رهبری نجم‌الدین اربکان به قدرت رسید. اربکان در صدد تأسیس یک دولت اسلامی و تبدیل شدن شریعت به قانون دولتی نبود بلکه بر جنبه اخلاقی شریعت اسلامی به صورت داوطلبانه و قدرت قانون در امپراتوری عثمانی تأکید داشت. وی بر اساس درک خود از گذشته عثمانی و دیدگاه خود از ترکیه به‌عنوان کشور جانشین امپراتوری عثمانی با مسئولیت‌ها و اعتبار آن، بر حفظ موقعیت تاریخی ترکیه به‌عنوان یک قدرت اروپایی و خاورمیانه و هژمون در منطقه تمرکز کرد. به‌علاوه، اربکان با تمایزبخشیدن به هویت دولتی و هویت اجتماعی، بر هویت اجتماعی خود به‌عنوان مسلمان تأکید کرده و در پی تطبیق هویت دولتی با هویت اجتماعی بود. از نظر وی، اسلام نه تنها در ایجاد آن پیوند اجتماعی حیاتی بود، بلکه مهمتر از آن، طرحی بود برای تشکیل یک ساختار اجتماعی جدید در ترکیه. در واقع، دوره ۱۹۷۳-۲۰۰۲، یک دوره حیاتی در نبرد داخلی بر سر هویت ملی ترکیه قلمداد می‌شد (Yavuz, 2020: 135-136). بنابراین، اربکان را می‌توان معمار سیاست اسلام‌گرایانه ترکیه دانست که به‌طور آشکار در جهت تلفیق سیاست و اسلام گام برداشت. آموزه‌های اخوان المسلمین مصر و انقلاب اسلامی ایران و در نتیجه اسلام‌سیاسی بر گرفته از آنها، بر رویکرد اربکان نقش موثری ایفا کرده است. اربکان در عین اعتقاد به اسلام‌سیاسی، سکولاریسم را از راه‌حل‌های خود جهت کم کردن فشار کمالیست‌ها دانسته که بخشی از تاریخ ملی ترکیه است (احمدی طباطبایی، پیروزفر، ۱۳۹۷: ۳۰۴) که در واقع، پژوهشگران معتقدند نوعی تناقض درونی در اندیشه‌های وی نهفته است. لطفی دوغان معتقد است که بعد از انحلال حزب نجات ملی ترکیه به‌عنوان یک حزب اسلامی در سال ۱۹۸۱، پیام‌های اسلامی خود را در قالب تاریخ عثمانی بسته‌بندی کردیم (Yavuz, 2020: 134). تمرکز اربکان از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ در سیاست خارجی عمدتاً بر بوسنی، قبرس، خاورمیانه و آذربایجان بود و به نقد غرب و اسرائیل می‌پرداخت. در این راستا، وی به اقداماتی مانند انتخاب ایران به‌عنوان اولین سفر خارجی خود، به‌کارگیری ادبیات اسلامی، اعتدال نسبت به کردها، عدم تمکین به قانون‌داتامو و ادامه روابط با

لیبی و ایران پرداخت. وی به دلیل جهت گیری های اسلام گرایانه و بی توجهی به لائیسزم، طی کودتایی آرام برکنار شد (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲۱). با اینکه به دلایل مختلف آرای وی به وجه غالب سیاست خارجی ترکیه تبدیل نشد، اما می توان گفت در اندیشه و عمل اربکان دال هایی از گفتمان نو عثمانی گرایی مانند گرایش به شرق و جهان اسلام و سکولاریسم به طور قابل ملاحظه ای در حال تکوین است.

۴-۱) حزب عدالت و توسعه: این حزب در سال ۲۰۰۲ در شرایطی به قدرت رسید که گفتمان کمالیستی به مدت هفتاد سال بر اصول سیاست خارجی ترکیه حاکم بوده و سکولارها حکومت هایی را که دارای گرایشات دینی و اسلام سیاسی بوده اند، به دلیل دور شدن از میراث آتاتورک، سرکوب می کردند. بنابراین اسلام گرایان اصلاح طلب متجدد به رهبری اردوغان و عبدالله گل، به این نتیجه رسیدند که تنها راه موفقیت در مقابل سکولاریست های ترکیه، پرهیز از هر گونه تقابل مستقیم و اتخاذ یک روش میانه روانه و محافظه کارانه در اقدامات سیاسی و مدنی بود (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۱۳۷). این حزب بر دموکراسی، حق آزادی، پذیرش دین به عنوان عامل وحدت بخش جامعه و سکولاریسم به عنوان یک اصل تضمین کننده در تفکیک اعتقادات مذهبی از امور سیاسی و روابط بین دولت و جامعه توجه داشتند. حزب عدالت و توسعه حزبی محافظه کار بوده و نسبت به سایر احزاب اسلام گرا، توجه کمتری به اسلام دارد و شعار اصلی آنها «صداقت و تلاش در ابعاد مختلف زندگی» است.

ایده اصلی نو عثمانی گرایی را می توان مربوط به دوره امپراتوری عثمانی دانست که حامیان آن در صدد ایجاد اصلاحات در امپراتوری از طریق پویایی های داخلی بودند و نه لزوماً از طریق تقلید از مدرنیته (گل محمدی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). بعد از جنگ سرد، حامیان این ایده معتقدند که امپراتوری عثمانی به عنوان یک نظام سیاسی چند قومیتی و چند فرهنگی، به حفظ ثبات داخلی و حل مسائل خارجی می پرداخت. در نتیجه در حال حاضر هم می توان از راهبردهای آن در سیاست ترکیه استفاده کرد. حزب عدالت و توسعه، نو عثمانی گرایی را هویتی دولتی در مقابل هویت اجتماعی دانسته و تولد این ایده را به عنوان پاسخی به ناکارآمدی ایدئولوژی کمالیستی و هویت ترکی تلقی می کند (Albayrak, Turan, 2016: 135). بدین ترتیب، می توان گفت که بعد از پی ریزی گفتمان نو عثمانی گرایی توسط اوزال، این گفتمان توسط حزب عدالت و توسعه به بلوغ رسید.

حزب عدالت و توسعه به ویژه از سال ۲۰۱۱، سیاست های اصلی خود را در برنامه ریزی شهری، آموزش، هنرهای زیبا (تلویزیون، ساخت فیلم و...) با هدف بازگرداندن

عثمانی‌ها انجام داده است (Yavuz, 2020:166). این حزب در چارچوب گفتمان نوعثمانی‌گرایی، قائل به اصول دموکراتیک و حقوق شهروندی می‌باشد. در زمینه ناسیونالیسم و دولت‌گرایی، رویکرد مبهم و غیرشفاف داشته و میهن‌پرستی را مبتنی بر قانون اساسی، بازتعریف ترک‌بودن بر محور قومیت به منظور شناسایی و جذب اکراد براساس هویت آنها می‌داند. به علاوه، آن‌ها در پی تشکیل حکومت اسلامی نبوده و معتقدند شعائر دینی می‌تواند در جامعه پیگیری شود در حالی که در عرصه سیاست پایند سکولاریسم هستند. این حزب مبتنی بر آرای داوود اوغلو در کتاب عمق‌راهبردی که ریشه در نوعثمانی‌گرایی وی دارد، معتقد به توازن بین شرق و غرب بوده و در صدد روابط نزدیک با همسایگان و جهان اسلام می‌باشد. همچنین، حزب عدالت و توسعه از نوعثمانی‌گرایی به عنوان ابزاری عمل‌گرایانه برای مذاکره مجدد و چانه‌زنی در عرصه ملی و بین‌المللی جهت قدرت‌یابی خود استفاده می‌کند (Albayrak, Turan, 2016:152). بنابراین حزب عدالت و توسعه، هویت ترکیه را به عنوان یک کشور اساساً عثمانی-اسلامی بازتعریف کرد (Cinar, 2011:539). در یک ارزیابی کلی، حزب عدالت و توسعه گرایش لائیک نظام ترکیه را که به منزله مخالفت با دینداری و شعائر آن بود، به سمت سکولاریسم و پذیرش دین در حوزه خصوصی افراد جامعه هدایت کرد.

۲) گفتمان نوعثمانی‌گرایی

در ترکیه اسلام‌گرایی لیبرال، داعیه‌دار خوانشی جدید از اسلام شده که ظرفیت برقراری ارتباط بین جهان اسلام و جهان غرب را داراست. این اسلام‌گرایی در پی معرفی خوانش خود، به عنوان کارآمدترین خوانش اسلامی در جهان مدرن است. در واقع، خروجی این امر، بازگشت رهبری جهان اسلام به ترکیه و احیای شوکت امپراتوری عثمانی می‌باشد. فلذا، از این گروه با عنوان نوعثمانی‌گرایان یاد می‌شود. نوعثمانیسم یک استراتژی جدید غیررسمی ترکیه بوده که ارتباط بسیار نزدیک با اصطلاحاتی مانند پان‌ترکیسم نو، پان‌تورانیسم و اوراسیا‌گرایی ترکیه دارد (Alekseevich, 2018:80). در خوانش نوعثمانی‌گرایان از اسلام، تجربه دوره خلافت عثمانی، نه به مثابه دوره‌ای تاریخی، بلکه به مثابه بنیادی نظری جهت مشخص کردن جایگاه اسلام در مدیریت اجتماعی مطرح می‌شود.

نوعثمانی‌گرایان معتقدند که قرائت آن‌ها از اسلام متمایز از مسلمانان دیگر بوده که مدنظر پیامبر (ص) می‌باشد. در این خوانش، جامعه کاملاً سکولار بوده و اسلام در حوزه مدیریت و سیاست جامعه نقشی ندارد و صرفاً تنظیم‌کننده رابطه فرد با خداست. حزب عدالت و توسعه نیز که

داعیه‌دار اسلام‌لیبرال می‌باشند، به‌عنوان دولتی سکولار و نه لائیک افراطی، تلاش دارد هم رفتار نظامیان لائیک را تعدیل کند و هم اسلام‌گرایان اربکانی تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران را در حاشیه نگه‌دارد. به‌طوری‌که این گفتمان با اعتقاد به برتری خوانش خود از اسلام، از کشورهای اسلامی که در آنها بیداری اسلامی رخ داده است، دعوت به پیروی از الگوی ترکیه می‌کند (شیرودی، نوروزی، ۱۳۹۳، ۱۰۹). در واقع، نوع‌نویسم تلاشی برای شکل‌دهی به فوق‌هویتی جدید با استفاده از نفوذ اجتماعی و اقتصادی (Alekseevich, 2018:87) می‌باشد که حزب عدالت و توسعه در مسیر حکمرانی خود به‌کار گرفته و مبتنی بر چنین گفتمانی، اصول جدیدی را برای سیاست خارجی و داخلی کشور تعریف کرد.

۲-۱) دال مرکزی گفتمان نو‌عثمانی‌گرایی

دال مرکزی در گفتمان نو‌عثمانی‌گرایی را می‌توان اسلام‌لیبرال قلمداد کرد. اسلام‌لیبرال معتقد است اکثریت احکام اسلامی، در حوزه احکام و مسائل فردی بوده و اسلام در باب مدیریت سیاسی و اجتماعی برنامه‌ای ندارد و صرفاً بخش کمی از آن در حوزه حکومت است. البته این نوع اسلام‌سیاسی لیبرال با خوانش گولن، اسلام را صرفاً در محدوده فردی می‌داند و به آن اسلام اجتماعی می‌گویند، تفاوت‌های اندکی دارد.

اسلام‌لیبرال معتقد به سکولار بودن دولت ترکیه است، اما با حذف نمادهای مذهبی از مکان‌های عمومی همچون ممنوعیت حجاب زنان در اماکن دولتی مخالف است. آن‌ها در صدد تأسیس حکومت اسلامی نیستند. اردوغان خود را دموکرات می‌داند. اما مرجع نهایی او یک نظام ارزشی هنجاری برگرفته از اسلام عرفانی صوفیانه است. اردوغان معتقد است ادیان وسیله‌ای برای سعادت انسان‌ها بوده به‌طوری‌که خداوند، هدف اسلام را بهبود رفاه مردم می‌داند. فلذا می‌توان استدلال کرد که برای اردوغان مسلمان بودن لزوماً به این معنا نیست که او از اسلام سیاسی دفاع می‌کند. اسلام برای او وسیله‌ای برای خودسازی اخلاقی است که آن را حیاتی می‌داند (Heper, Toktas, 2003:165-169). به‌علاوه، مطابق نظر اردوغان، اسلام نمی‌تواند مرجعی برای برنامه‌های سیاسی باشد، بلکه اسلام مرجعی در سطح شخصی می‌باشد. نهاد مذهبی در ترکیه کاملاً تابع مقامات سیاسی است و هیچ موضع مستقلی در مورد مسائل سیاسی ندارد (Yilmaz, Bashirov, 2018:1822). فلذا، این اصول دموکراسی و قانون است که به‌عنوان یک مرجع مورد قبول واقع می‌شوند؛ بر همین مبناست که مسائلی مانند مدارس دینی امام‌خطیب و حجاب را باید در قالب آزادی‌های فردی توضیح داد.

برخلاف رویکرد حداکثری اسلام‌سیاسی‌اربکانی، که در مواجهه با سکولاریسم دچار نوعی تناقض درونی در مفصل‌بندی گفتمان خود شد، برگزیدن اسلام‌گرایی لیبرال به‌عنوان دال مرکزی گفتمان‌نوعثمانی‌گرایی، انسجام گفتمانی بالایی را سبب شد که مانع از ایجاد ناهماهنگی در نظام معنایی این گفتمان شده‌است.

۲-۲) دال‌های شناور گفتمان‌نوعثمانی‌گرایی

۲-۲-۱) ناسیونالیسم

گفتمان‌نوعثمانی‌گری حزب عدالت و توسعه، در خصوص ناسیونالیسم رویکرد مبهمی داشته و آن را براساس قانون‌اساسی می‌داند. این حزب دارای جهت‌گیری‌های قطعی ناسیونالیسم بوده‌است اما از نظر کیفی تفاوت‌هایی با ناسیونالیسم کمالیستی دارد (Saracoglu, Demirkol, 2015:305). همچنین دارای روایتی جدید از ناسیونالیسم ترک بوده که با روایت‌های قبلی متفاوت است. این روایت شامل پذیرش تکثر هویتی و قومی در ترکیه و همچنین ارائه بسته راه‌حل دموکراتیک در سال ۲۰۰۹ در قالب این روایت می‌باشد. به‌علاوه، نوعثمانی‌گرایان مدعی قرائتی دیگر از ناسیونالیسم ترکی هستند که شامل رگه‌های قدرتمندی از دوران امپراتوری عثمانی است (صیادشیرازی، محمدی، ۱۳۹۹: ۴۸). نوعثمانی‌گرایان، رویکردهای ناسیونالیستی کمرنگ‌تری از گذشته داشته و در صدد احقاق حقوق اقلیت‌های قومی می‌باشد (Hale, Ozbudun, 2010:21). فلذا نمی‌توان آنها را جریان‌ی با انگیزه‌های ناسیونالیستی محض دانست بلکه ناسیونالیسم در نظر آنها، ابزاری در جهت گسترش حوزه نفوذ و کسب منافع ملی می‌باشد.

۲-۲-۲) دولت‌سکولار

رویکردنوعثمانی‌گرایان به دولت بیش از اینکه متأثر از سیره پیامبر باشد، متأثر از سیره پادشاهان عثمانی است. دو ویژگی مهم امپراتوری عثمانی که سبب چنین تأثیری گشت عبارتند از: جدابودن مذهب از امور دنیایی و خصوصی؛ و سیاست تسامح و تساهل مذهبی می‌باشد (شیرودی، نوروزی فیروز، ۱۳۹۳: ۹۷). در این راستا، نوعثمانی‌گرایان حزب عدالت و توسعه، با خودداری از دموکرات مسلمان دانستن خود، این حزب را یک حزب دموکرات محافظه‌کار توصیف می‌کنند. آن‌ها معتقدند دولت نباید طرفدار یا مخالف هیچ عقیده‌ای باشد و اصول قانون اساسی در خصوص سکولاریسم و برابری در مقابل قانون را ضامن آن می‌دانند. از نظر نوعثمانی‌گرایان، سکولاریسم به مردم از ادیان مختلف اجازه می‌دهد تا دین خود را در صلح انجام دهند، اعتقادات مذهبی خود را

ابراز کنند، از سوی دیگر، به افراد بدون اعتقادات مذهبی اجازه می‌دهد تا زندگی خود را در جهت خود سازماندهی کنند (Hale, Ozbudun, 2010:20-21). بنابراین، حزب عدالت و توسعه، سکولاریسم را یک اصل آزادی و صلح اجتماعی تلقی کرده و از این رو، توانستند برخلاف اربکان، تناقض بین سکولاریسم و اسلام‌گرایی را پوشش دهند.

یاووز معتقد است اسلام در دست اردوغان نه تنها یک نیروی ابزاری علیه نظام سکولار بوده بلکه سبب کنترل هژمونیک بر گروه‌ها، جوامع و شبکه‌های اسلامی متنوع از نظر اقتصادی و فرهنگی نیز می‌شود. در این راستا، اردوغان از دیانت ۱ برای کنترل تفسیری خاص از اسلام استفاده می‌کند. وی معتقد است که اسلام باید توسط دیانت تفسیر شود، نقشی که برای اعضای مستقل جامعه مدنی جایز نیست. بنابراین، درک او از سکولاریسم بیشتر دولت محور شده و به دخالت جامعه در تفسیر و استفاده از دین به عنوان هویت مقاومت بدگمان شده است. از نظر وی، دولت بر اسلام اولویت دارد (Yavuz, 2019:21). بنابراین، نوعثمانیسم در صدد ارائه نسخه جدید امپراتوری عثمانی، هماهنگ با فضای زمانی و مکانی مدرنیته و معتقد به تفسیری خاص از اسلام سیاسی است.

۲-۲-۳) دموکراسی

دموکراسی، دال‌شناور دیگری در اندیشه نوعثمانیسم است. نوعثمانی‌گرایان توجه زیادی بر ارزش‌های جهانی مانند دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، حکومت محدود، تحمل کثرت‌گرایی و احترام به تنوع و حقوق اقلیت‌ها دارند. برنامه حزب عدالت و توسعه، به نام «برنامه توسعه و دموکراسی» به شدت بر دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون تأکید دارد. فلذا بیان می‌کنند رقابت میان گزینه‌های مختلف سیاسی شرط ضروری یک نظام دموکراتیک سالم است و اراده اکثریت، مطلق نیست. اکثریت نباید تحت هیچ شرایطی در حقوق و آزادی‌های اساسی دخالت کنند و باید به حقوق اقلیت احترام بگذارند (Hale, Ozbudun, 2010:21). اردوغان به عنوان اصلی‌ترین نماینده اندیشه نوعثمانی، بیان می‌کند که قائل به اسلام در سطح شخصی بوده اما از نظر سیاسی، مرجع وی قانون اساسی و اصول دموکراتیک است. از نظر وی، ترکیه ابتدا به یک اقتصاد قوی نیاز دارد تا بتواند یک جمهوری قوی بسازد و از دموکراسی محافظت کند. وی به یک جمهوری سکولار، یک دموکراسی مبتنی بر حاکمیت قانون، و به سیاست مردم محور اعتقاد دارد

^۱ اداره امور مذهبی ترکیه که وابسته به دولت است

که در آن بالاترین ارزش، کمال فردی است. او برای دموکراسی همان اهمیتی قائل است که برای اخلاق، مدرنیته و انسانیت قائل است (Heper, Toktas, 2003: 169-170). عبدالله گل، ترکیه را یک کشور دموکراتیک، سکولار و اجتماعی می‌داند که توسط حاکمیت قانون اداره می‌شود (Grigoriadis, 2009: 1208). در مجموع، نوعثمانی گرایان دین و دموکراسی را در تضاد با هم ندانسته و در پی ارائه یک مدل دموکراسی اسلامی معاصر می‌باشند.

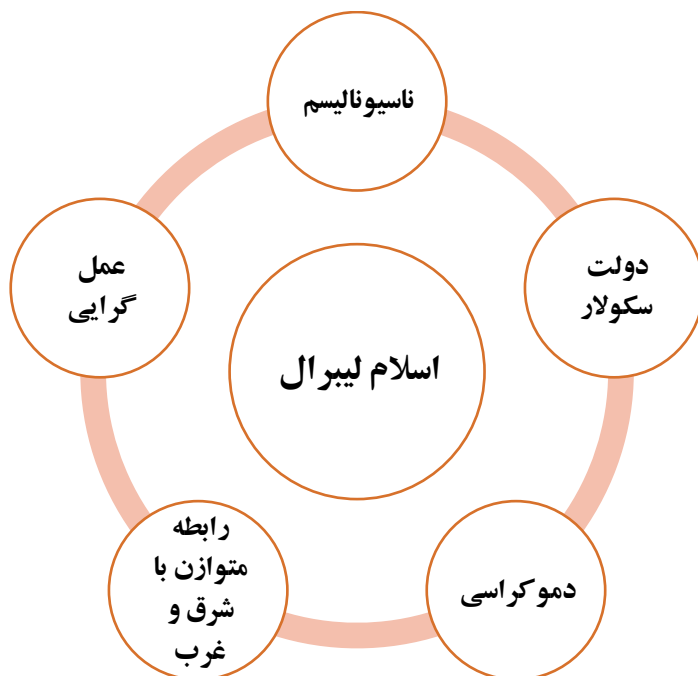
۳-۲-۲) رابطه متوازن با شرق و غرب

دال‌شناور دیگر در گفتمان نوعثمانی‌گرایی، دال روابط متوازن با شرق و غرب است. این گفتمان، در عرصه سیاست خارجی به تنش‌زدایی به خصوص با همسایگان معتقد است. مطابق نظر داووداوغلو، ترکیه لازم است در سیاست خارجی خود بر توازن رابطه بین شرق و غرب متمرکز شده و سیاست خارجی چندبعدی داشته باشد. وی معتقد است مناسبات ترکیه با جهان اسلام از نظر تاثیر گذاری اقتصادی-سیاسی بین‌المللی اهمیت دارد به طوری که در صورت شتاب‌دهی به روند مناسبات اقتصادی به ویژه از طریق سازمان کنفرانس اسلامی، موقعیت ترکیه نزد مراکز مهم قدرت اقتصادی-سیاسی و در رأس آن اتحادیه اروپا تقویت خواهد شد (داووداوغلو، ۱۳۹۵: ۲۶۲). به علاوه، داووداوغلو ذکر می‌کند که ترکیه با برخورداری از عمق تاریخی و جغرافیایی در منطقه، باید سیاست منطقه‌ای فعالی را گسترش داده تا بتواند بحران‌های ناشی از تجزیه‌شدگی‌های سیاست جغرافیایی، فرهنگ جغرافیایی و اقتصاد جغرافیایی را از قبل تشخیص داده و با خونسردی مورد ارزیابی قرار دهد. وی اتخاذ موضعی منفعل از سوی ترکیه را در این خصوص سبب ایجاد خطرات جدی در حوزه امنیت خارجی و داخلی قلمداد می‌کند (داووداوغلو، ۱۳۹۵: ۴۳۵). هدف اوغلو تبدیل ترکیه به یک قدرت منطقه‌ای و سپس جهانی می‌باشد. ترکیه در چارچوب نوعثمانیسم بر مبنای سه عامل دین، امنیت و اقتصاد با کشورهای خاورمیانه همکاری می‌کند. در واقع، نوعثمانیسم در صدد احیای نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی در سرزمین‌های متعلق به امپراتوری عثمانی است.

نوعثمانی‌گرایان حزب عدالت و توسعه با بیان اینکه عضویت در اتحادیه اروپا انتخاب استراتژیک ترکیه است، تاکید می‌کنند ترکیه در حالی که سیاست تعامل سازنده در همسایگی خود و فراتر از آن را دنبال می‌کند، ادغام کامل با اتحادیه اروپا را نیز در اولویت دارد (Davutoğlu, 2010: 11). در حقیقت، دال‌شناور رابطه با غرب در فضایی شکل گرفته که نوعثمانیسم خواهان جلب رضایت کمالیست‌ها و کسب مشروعیت اجتماعی در ترکیه است.

۴-۲-۲) عمل‌گرایی

عمل‌گرایی یا پراگماتیسم را می‌توان یکی از دال‌های شناور در گفتمان‌نوعثمانی‌گرایی حزب عدالت و توسعه دانست. بعضی از پژوهشگران معتقدند ناظرانی که سیاست خارجی ترکیه را از دریچه مباحث ایدئولوژیک، بین‌هویت شرقی و غربی تفسیر می‌کنند، اغلب انگیزه‌های عمل‌گرایانه‌ای را که تصمیم‌های سیاسی را شکل می‌دهند نادیده می‌گیرند در حالی که رهبران ترکیه در تدوین رویکردهای خود در قبال اروپا و خاورمیانه به‌ندرت تحت‌تأثیر ایدئولوژی‌هایی قرار گرفته‌اند که سیاست داخلی آن‌ها را تعیین می‌کنند. مطابق نظر آن‌ها، جدایی آتاتورک از خاورمیانه و تعامل مجدد حزب عدالت و توسعه با منطقه، هر دو پاسخ عملی به واقعیت‌های استراتژیک بودند (Danforth, Nicholas, 2008:83). با این وجود، حزب عدالت و توسعه از یک‌سو، از اسلام به‌عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری حمایت مردمی استفاده کرده و از سوی دیگر، با تکیه بر گفتمان‌نوعثمانی‌گرایی به‌عنوان ابزار، پشتوانه‌ای برای تغییر شکل هویت ملی ترکیه و نفوذ بیشتر در خاورمیانه فراهم آورد. چنین رویه‌ای نمایانگر مبنای ایدئولوژیک یک هدف عملگرایانه برای جلب حمایت از طیف‌های مختلف سیاسی برای حفظ موقعیت خود در قدرت بود (Gontijo, Barbosa, 2020:13). در این راستا، طی سال‌های اخیر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شاهد عمل‌گرایی حزب عدالت و توسعه جهت نیل به آرمان‌نوعثمانیسم هستیم.



جدول ۱: دال‌های گفتمان نوعثمانی گرایبی

د) گفتمان مقاومت اسلامی

مقاومت اسلامی به مثابه یک گفتمان شامل مجموعه‌ای از دال‌های به هم پیوسته می‌باشد که در مقابل گفتمان نوعثمانی گرایبی قرار گرفته است. این دال‌ها بدین شرح است:

۱) دال مرکزی گفتمان مقاومت اسلامی

اسلام سیاسی را می‌توان به عنوان دال مرکزی گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا دانست. گفتمان اسلام سیاسی مبتنی بر جدایی ناپذیری دین و سیاست بوده و چون مبتنی بر وحی است، در همه حوزه‌های زندگی قواعدی را مشخص کرده که برتر از نظریات سیاسی دیگر است. مهم‌ترین تحول گفتمان انقلاب اسلامی در قرن ۲۱، تحول از سیاست گریزی و گرایش به پیوند دادن دین با سیاست با هدف تشکیل حکومت اسلامی بوده که این امر در جمهوری اسلامی ایران، برای اولین بار در قالب یک ایدئولوژی سیاسی محقق شد. مقام معظم رهبری، ایمان و انس با قرآن در جامعه، تکلیف گرایبی به جای نتیجه گرایبی، عزم و اراده جدی در راستای عزت، تعالی خواهی فرامادی و باور به فرهنگ و هویت اسلامی را در قالب معنویت گرایبی و تکلیف محوری از جمله شاخص‌های

گفتمان مقاومت اسلامی می‌داند (قاسمی، ۱۳۹۹: ۱۹۸). در مجموع، اسلام‌سیاسی در پی تشکیل نوعی جامعه مدرن اسلامی به عنوان تنها راه حل بحران‌های جامعه معاصر است که در کنار استفاده از دستاوردهای مثبت تمدن غرب، از آسیب‌های آن دور باشد.

۲) دال‌های شناور گفتمان مقاومت اسلامی

۱-۲) استکبارستیزی

از مهم‌ترین مولفه‌های محور مقاومت اسلامی، مقاومت در برابر استکبار جهانی و همچنین اشغالگری و دخالت بیگانگان در منطقه غرب آسیا می‌باشد. استکبار در لغت از ریشه کبر بوده که برتری خواهی و امتناع از تبعیت حق از روی عناد است. سیاست استکبارستیزی جریان مقاومت اسلامی ریشه در تعالیم قرآنی دارد. در قرآن دو جریان استکباری والهی در تقابل همیشگی با یکدیگر قرار دارند. بدین ترتیب، گفتمان استکباری را می‌توان با نشانه‌هایی از جمله غیرالهی بودن، مستکبر بودن، باطل بودن مفصل بندی کرد (نادری، ۱۲: ۱۳۹۴-۱۴). مقام معظم رهبری، دال استکبارستیزی در گفتمان مقاومت اسلامی را منحصر به روابط مسلمانان و جامعه اسلامی با دیگر بازیگران و جریان‌های بین‌المللی نمی‌کند بلکه این دال را حاکم بر روابط همه ملت‌های جهان با قدرت‌های سلطه طلب و جریان استکبار می‌داند (آذری، ۳۶۸: ۱۳۹۸). بدین ترتیب، می‌توان اهمیت استکبارستیزی در گفتمان مقاومت اسلامی را در آن دانست که سبب هم‌سویی گفتمان‌ها و جریان‌هایی که قرابت ایدئولوژیک با یکدیگر را ندارند، شده و در صدد نابودی نظام سلطه و بهره‌کشی از مستضعفان جهان است.

۲-۲) همزیستی عادلانه

گفتمان مقاومت اسلامی با تأکید بر صلح و امنیت و دوری از خشونت، در برابر ظلم و نظام سلطه نیز ایستادگی می‌کند. این در حالی است که گفتمان نظام سلطه در تلاش است صلح را به گونه‌ای منفی و حداقلی تعریف کند و با پررنگ کردن گفتمان‌های تکفیری در مقابل گفتمان مقاومت، عملکرد گروه‌های تکفیری را به عنوان گفتمان مقاومت که خشونت طلب هستند، در عرصه جهانی بازنمایی می‌کند (آذری، ۱۳۹۸: ۳۷۵). مقام معظم رهبری، با تأکید بر اینکه ملت ایران طرفدار صلح، برادری و عزت کشورهای اسلامی هستند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم آذربایجان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸)، معتقدند صلح باید مبتنی بر عدالت و با معرفت به کرامت انسانی و به دور از اغراض قدرتمندان عالم باشد (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس هزاره رهبران دینی جهان، ۱۳۷۹/۰۶/۰۹). این عرایض حاکی از اهمیت بالای بحث عدالت

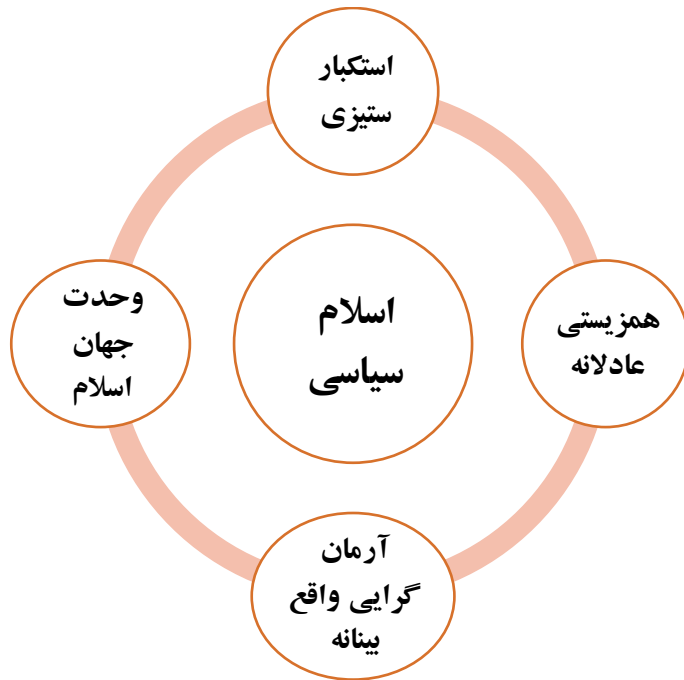
در این گفتمان نیز می‌باشد. عدالت به معنای قراردادن هر چیز در جای مناسب خود است. امام خمینی لازمه اجرای احکام اسلامی را تشکیل حکومت اسلامی مبتنی بر عدل می‌داند. فلذا، مقاومت اسلامی نیز با هدف تحقق عدالت خواهی در سرزمینهای اسلامی و مبارزه با ظلم و استکبار جهانی و استبداد داخلی شکل گرفت و در پی رسیدن به همزیستی عادلانه می‌باشد.

۲-۳) آرمان گرایی واقع بینانه

آرمان گرایی واقع بینانه را می‌توان یکی از دال‌های شناور گفتمان مقاومت اسلامی دانست. گفتمان مقاومت اسلامی صرفاً آرمان گرا نمی‌باشد بلکه مبتنی بر شناخت دقیق از شرایط زمان و مکان و واقعیت‌ها اقدام و به سمت آرمان خود حرکت می‌کند. مقام معظم رهبری آرمان گرایی را تعهد و التزام به ارزش‌ها، اصول و آرمان‌ها و همچنین تاثیر گذاری و تاثیر ناپذیری از جبهه مخالف (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۶/۰۵/۱۳۹۱) دانسته و تاکید می‌کنند که واقعیتها نباید سبب دوری از آرمان‌ها شود (همان، ۲۰/۴/۱۳۹۴). در واقع، یک رابطه دوسویه بین آرمان گرایی و واقع بینی در جبهه مقاومت اسلامی برقرار بوده و به تعبیر مقام معظم رهبری، واقعیت‌ها باید مانند پلکانی گفتمان مقاومت را به آرمانهای آن نزدیک کنند.

۲-۴) وحدت جهان اسلام

یکی از مولفه‌های گفتمانی مقاومت اسلامی، مبارزه با تفرقه بین مذاهب اسلامی و برقراری وحدت بین مسلمانان جهان اسلام می‌باشد. این گفتمان با تاکید بر لزوم وحدت گرایی و ممانعت از چنددستگی، به عنوان مهم‌ترین راهبرد قرآن برای امت‌سازی، در پی مقاومت و کسب پیروزی در عرصه‌های سیاسی و مبارزاتی علیه استکبار و دشمن مشترک امت اسلامی است. کشورهای اسلامی به دلیل دارا بودن ظرفیت‌های مناسب ژئواکونومیکی، ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری می‌توانند با اتخاذ راهبرد اتحاد، به قدرتی مؤثر در عرصه بین‌المللی تبدیل شوند تا در این صورت، جامعه جهانی را به سمت حفظ صلح و کرامت انسانی سوق دهند.



جدول ۲: دال‌های گفتمان مقاومت اسلامی

ذ) نزاع گفتمانی نوعثمانی گرای با مقاومت اسلامی

شکل‌گیری مقاومت اسلامی از اواخر قرن بیستم را می‌توان مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی ایران دانست. متأثر از انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌های مردمی در جهان اسلام شکل گرفتند که نه تنها بین شیعیان، بلکه در بین گروه‌های اهل سنت سبب ایجاد تحرکاتی شد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۵). این انقلاب سبب شکل‌گیری جبهه متخاصم و متحد غرب به رهبری عربستان در منطقه شد که همین عامل جمهوری اسلامی را ناچار به سازماندهی محور مقاومت اسلامی کرد. محور مقاومت اسلامی بیش از آنکه به لحاظ ژئوپلیتیکی باهم قرابت داشته باشند، به لحاظ ایدئولوژیکی به یکدیگر نزدیک شده‌اند (رنجبر محمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۲). از این رو، می‌توان گفت انقلاب اسلامی آموزه‌ها و اعتقادات مذهبی اسلام را به تکلیف سیاسی مبدل کرد (متقی، پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). این مساله اولاً سبب افزایش انگیزه کنشگری نیروهای اجتماعی شد و ثانیاً، توانست باعث تسری آموزه‌های دینی و نیروهای اجتماعی به جبهه مقاومت اسلامی شود.

محور مقاومت اسلامی را می‌توان یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی دانست که دارای منافع مشترک ایدئولوژیک و ملی هستند و در صدد به چالش کشیدن سیاست‌های نظام سلطه به سرکردگی آمریکا می‌باشند (محمودی رجاو دیگران، ۱۳۹۷: ۹). در ادبیات سیاسی منطقه و جهان، مفهوم «محور مقاومت» نخستین بار توسط یک روزنامه‌لیبیایی در سال ۲۰۰۲، در پاسخ به محور شرارت خوانده شدن ایران، عراق و کره شمالی توسط جرج بوش، به کار گرفته شد. این روزنامه، مقاومت در برابر هژمونی آمریکا را وجه مشترک این کشورها دانست (قربانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۷). بدین ترتیب، گفتمان مقاومت اسلامی مبتنی بر دال مرکزی اسلام سیاسی و دال‌های شناوری از قبیل استکبارستیزی، همزیستی عادلانه، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، وحدت جهان اسلام و... می‌تواند به عنوان یکی از بازتولیدهای کلان گفتمان انقلاب اسلامی قلمداد شود به طوری که یکی از موثرترین و واقع‌بینانه‌ترین رویکردهای جمهوری اسلامی جهت حفظ و کسب منافع ملی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی می‌باشد.

گفتمان نو عثمانی‌گرایی مبتنی بر اندیشه‌های داوود اوغلو و اردوغان، بر مبنای سیاست نفوذ در جهان اسلام و مشکلات صفر با همسایگان، در صدد است با ارائه الگویی لیبرال از اسلام، نفوذ خود را در کشورهای اسلامی گسترش دهد. کما اینکه تا به امروز، ترکیه مبتنی بر نو عثمانیسم به میزان قابل توجهی در تحولات جهان اسلام نقش آفرینی کرده است. نو عثمانی‌گرایان خود را وارث امپراتوری چندملیتی دانسته و مرزهای هویتی خود را در محدوده مرزهای عثمانی ترسیم می‌کنند به طوری که اردوغان در نطق پیروزی خود پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۰ اوت ۲۰۱۴ گفت که «نه تنها ترکیه، امروز اسلام‌آباد، اربیل، بیروت، ساریوو، اسکوپیه، حماه، حمص، رام‌الله، غزه، اورشلیم همگی پیروز شده‌اند» (Albayrak, Ayla, 2014). به علاوه، داوود اوغلو نیز اظهاراتی مبنی بر نظم‌بخشی ترکیه به سرزمینهای از دست رفته عثمانی و اتصال مجدد ساریوو به دمشق و بغازی به ارزروم و باتومی، بدون جنگیدن داشت (Daloglu, 2013). وجه اشتراک چندانی بین این مکانها وجود ندارد جز اینکه در گذشته آنها (به جز اسلام‌آباد) بخشی از امپراتوری عثمانی بودند. چشم‌انداز و جاه‌طلبی ژئواستراتژیک ترکیه تنها به لفاظی‌های سیاسی محدود نمی‌شود بلکه آنها تلاش می‌کنند آنها را به عنوان سیاست خارجی اجرا کنند؛ حتی استعفای داوود اوغلو از سمت نخست‌وزیری در می ۲۰۱۶ تأثیر جدی بر ژئواستراتژی ترکیه نداشت (Batashvili, 2017). فلذا می‌توان گفت ترکیه در صدد تعریف یک فراهویت مبتنی بر ژئوکالچر مشترک بین بعضی کشورها نیست، بلکه به دنبال ارائه یک تعریف از هویت مشترک با مرزهای مشترک می‌باشد. در واقع،

حزب عدالت و توسعه سعی دارد جهت رسیدن به اهداف خود که مهمترین آن تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای است، مبتنی بر دال‌های نوعثمانیسم در جهان اسلام بازیگری کند؛ در این راستا، در عین التزام به دال مرکزی این گفتمان یعنی اسلام لیبرال، در شرایط زمانی و مکانی مختلف، به برجسته کردن یکی از دال‌های شناور این گفتمان از جمله سکولاریسم، ناسیونالیسم، دموکراسی، روابط متوازن با شرق و غرب و پراگماتیسم می‌پردازد. گفتمان مقاومت اسلامی متأثر از گفتمان انقلاب اسلامی ایران، بر دال مرکزی اسلام سیاسی و همچنین دال‌های شناور استکبارستیزی، همزیستی عادلانه، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و وحدت جهان اسلام استوار است. در واقع، اسلام سیاسی محور مقاومت همواره در تقابل با اسلام لیبرال و طرفدار سکولاریسم، نظام سلطه و استکبار جهانی می‌باشد. اساساً در حالی که شکل‌گیری گفتمان مقاومت اسلامی ریشه در نفی کامل سلطه و استکبارستیزی و مبارزه با صهیونیسم دارد، اساس نوعثمانیسم مبتنی بر سکولاریسم اسلامی و محافظه‌کاری و همکاری با نظام سلطه و صهیونیسم است. پرواضح است که به لحاظ گفتمانی و مبتنی بر دال‌های آنها، این دو گفتمان در تقابل جدی اما غیرمستقیم با یکدیگر قرار دارند. به علاوه، با توجه به اینکه گفتمان مقاومت اسلامی متأثر از جمهوری اسلامی ایران و گفتمان نوعثمانی‌گرایی ترکیه، هر کدام در صدد تعیین نظم منطقه‌ای مطلوب و در واقع هژمونیک کردن گفتمان خود هستند، به دلیل رابطه غیریت گونه حاکم بر آنها، می‌توان این دو گفتمان را دو گفتمان رقیب در مناسبات منطقه‌ای دانست که تقابل غیرمستقیم داشته به طوری که روابط آنها گاه همکاری جویانه در عین رقابت و گاه خصمانه می‌شود. در عمل نیز این دو گفتمان در مسائلی مانند رابطه با غرب، رویدادهای مربوط به بیداری اسلامی و به ویژه بحران سوریه، روابط با اسرائیل و غیره با یکدیگر اختلافات اساسی دارند که در این پژوهش به صورت موردی به بررسی تقابل این دو گفتمان در رابطه با داعش می‌پردازد.

(ر) داعش به مثابه تقابل گفتمانی نوعثمانی‌گرایی با مقاومت اسلامی

با توجه به فرض پژوهش مبنی بر اینکه گفتمان‌های نوعثمانی‌گرایی و مقاومت اسلامی به عنوان دو گفتمان رقیب، نوعی تقابل غیرمستقیم با یکدیگر دارند، این تقابل را می‌توان در عرصه‌های میدانی نیز مشاهده کرد. نگارندگان جهت بررسی موردی این تقابل، به مطالعه نوع مواجهه و جهت‌گیری این دو گفتمان نسبت به داعش و بحران سوریه می‌پردازند.

ترکیه سعی دارد برخلاف سیاست خارجی انفعالی خود در قرن بیستم، مبتنی بر نوعثمانیسم به عنوان کنشگری فعال به نقش‌آفرینی در منطقه مبادرت ورزد. در این راستا، اقدامات

حزب عدالت و توسعه بعد از به قدرت رسیدن عبارتند از: ورود فعالتر در مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی، اعزام نیرو به افغانستان در قالب ناتو، ایفای نقش فعالتر در سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب، گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای اسلامی و... می باشد (Taspinar, 2008, 127). ترکیه در راستای گفتمان نوعثمانیسم، در قبال سوریه قبل از سال ۲۰۱۱، به اعمال سیاست فعال خود از طریق ابزارهای نسبتاً نرم گام برداشت. برای نمونه، موافقت آنکارا برای ایجاد منطقه آزاد تجاری و مسافرتی با سوریه، لبنان و اردن بود که در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ اعلام شد. در آن زمان، ترکیه به طور عملگراییانه‌ای با دولت اسد در کنار سایر همسایگان، تعامل داشت. با شروع شورش در سوریه در سال ۲۰۱۱، ترکیه به شدت تغییر موضع داد و با ابزارهای قدرت سخت و پنهان به حمایت از شورشیان علیه اسد پرداخت (Batashvili, 2017).

در جریان تحولات سوریه بعد از سال ۲۰۱۱، محور مقاومت اسلامی و نوعمانی گرایان ترکیه، به دلیل نداشتن درک مشترک از تحولات منطقه‌ای، ژئوپلیتیکی و امنیتی دچار اختلافات عمیقی در رویکرد خود در این بحران شدند. در حالی که محور مقاومت، به دلیل دال گفتمانی مبارزه با استکبار، سوریه را خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی و آمریکا دانسته و در عین تاکید بر لزوم انجام تغییرات و اصلاحات در دولت سوریه، حداکثر تلاش خود را جهت صیانت از نظام سیاسی این کشور و هم‌پیمان منطقه‌ای خود اعمال کرد، نوعمانی گرایان راهبرد متنوعی در قبال بحران سوریه اتخاذ کردند.

ترکیه در ابتدا نقشی میانجی‌گرایانه متمایل به فشار دیپلماتیک به اسد برای انجام اصلاحات دموکراتیک اتخاذ کرد. در این راستا، ترکیه با گروه‌های معترض سوری به ویژه اخوانی‌ها ارتباط برقرار کرد. سپس با تداوم بحران در سوریه در تابستان ۲۰۱۱، ترکیه در صف متحدان غربی خود قرار گرفت. با ادامه درگیری‌ها، ترکیه کلیه روابط خود را با دولت سوریه قطع کرده و با بازگذاشتن گذرگاه‌های مرزی اجازه داد نیروهای تروریستی مانند ارتش آزاد، جبهه النصره، داعش و... به سوریه رفت و آمد کنند. این در شرایطی بود که ترک‌ها به طور رسمی نگرانی خود را از گسترش داعش اعلام کرده و خواستار مقابله با آن شدند. اما در عمل، به حمایت از داعش پرداختند.

پس از شکل‌گیری ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم علیه داعش در سال ۲۰۱۴، ترکیه تقریباً به مدت یک سال از پیوستن به این ائتلاف خودداری کرد و دلیل آن را اسارت کارمندان کنسولگری خود در موصل توسط داعش در سال ۲۰۱۴ اعلام کرد. در حالی که حتی پس از آزادی

کارمندان خود از دست تروریست‌ها، ترکیه در عملیات‌های نظامی علیه تروریست‌ها شرکت نکرد و حتی به مخالف با واگذاری پایگاه هوایی اینجریلیک به ایالات متحده پرداخت.

در فوریه ۲۰۱۵، به دلیل عملیات موفقیت آمیزی که ارتش ترکیه در خاک سوریه داشت و جسد سلیمان شاه را به خاک خود منتقل کرد، کارشناسان تصور کردند که ترکیه مشارکت فعالتری در مبارزه با تروریسم خواهد داشت در حالی که این کشور نه تنها ارسال سلاح به داعش را ادامه داد، بلکه اقدام به خرید نفت قاچاق از داعش کرد. همچنین، ترکیه متهم به حمایت از حملات داعش به کوبانی است.

رهبان ترک دلایل حضور نظامی خود را در بحران سوریه به دو دلیل می‌دانند: نخست، به دلیل مبارزه با گروه‌های جدایی طلب کرد که در خاک سوریه و در مرز ترکیه و سوریه فعالیت دارند؛ و دوم، به دلیل بازگرداندن پناهندگان سوری بود که در جریان بحران سوریه، به ترکیه رفتند (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۵۶). اما دولت سوریه به ادعاهای واهی ترکیه در راستای دخالت نظامی آن در کشور خود، پاسخ داده و اقدامات نظامی ترکیه را در جهت اهداف تروریست‌ها و نابودی کشور خود قلمداد کرد. از دیگر منافع ترکیه با حضور نظامی خود در این منطقه دنبال می‌کند عبارتند از: ممانعت از رشد دولت مرکزی شیعی قوی در عراق، کاهش نقش جمهوری اسلامی (به عنوان رقیب منطقه‌ای ترکیه) در تحولات منطقه، شکل دهی به محور سنی (عربستان، ترکیه، لیبی، اردن و دول عربی حوزه خلیج فارس) در تقابل با محور شیعی (ایران، سوریه، عراق)، و تغییر رژیم در سوریه می‌باشد (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷-۴۱). بنابراین، ترکیه در راستای دستیابی به منافع خود، تنها گزینه موجود را که هم با کردها و هم با حکومت اسد دشمن باشد، داعش می‌دید. در واقع، نزدیکی نو عثمانی گرایان ترک به داعش را می‌توان مبتنی بر دال ناسیونالیسم (به دلیل دشمنی داعش با کردها) و دال پراگماتیستی این گفتمان (در راستای رسیدن به اهداف و منافع خود) دانست.

بدین ترتیب، رهبان ترکیه در بحران سوریه با استناد به شواهد و مدارک، متهم به همکاری با داعش در حوزه‌های مختلف از جمله همکاری‌های نظامی و انتقال تسلیحات گرفته تا حمایت لجستیکی، کمک مالی و ارائه خدمات پزشکی شدند. با بررسی میدانی پژوهشگران، برخی از اتهامات علیه ترکیه در خصوص همکاری با داعش، به اثبات رسید که بدین شرح است:

۱) قرارداد تجهیزات نظامی در اختیار داعش: یکی از گزارشات به نقل از فرمانده داعش در آگوست سال ۲۰۱۴ بیان می‌کند: «بیشتر جنگجویانی که در آغاز جنگ به ما (داعش)

ملحق شدند و همچنین تجهیزات و تدارکات ما، از طریق ترکیه می آمد» (Faiola, Mekhennet, 2014). کمال قلیچ داراوغلو، رئیس حزب جمهوری خواه خلق ۱ در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴ بیانیه ای را از دفتر دادستانی آدانا تهیه کرد که در آن تاکید می کند ترکیه به گروه های تروریستی سلاح می رساند. او مصاحبه ای از رانندگان کامیون تهیه کرد که اسلحه را به گروه ها تحویل می دادند. به گفته وی، دولت ترکیه مدعی است که این کامیونها برای کمک های بشر دوستانه به ترکمن ها بوده است، اما ترکمن ها گفته اند که هیچ کمک بشر دوستانه ای ارسال نشده است (Samanyoluhaber, 2014). به علاوه، در خاک ترکیه سه پایگاه برای آموزش جهادی ها زیر نظر میت شکل گرفت: پایگاهی در شانلی عرفا (در مرز سوریه)، یک پایگاه در عثمانی (در کنار پایگاه نظامی ناتو در اینجریلیک) و یک پایگاه در کارامانه (نزدیک استانبول) (انسیتو تحقیقات استراتژیک روسیه به نقل از رویترز، ۱۳۹۶: ۱۳۱). فلذا، این شواهد حاکی از یاری رساندن ترکیه به داعش در حوزه تجهیز نظامی می باشد.

۲) کمک های لجستیکی و حمل و نقل به داعش: به گزارش رادیکال، معمر گولر وزیر کشور ترکیه دستوری را امضا کرد: «طبق منافع منطقه ای خود، ما به شبه نظامیان النصره علیه شاخه گروه تروریستی پ ک ک ۲، پی ۴، در داخل مرزهای خود کمک خواهیم کرد... هاتای یک مکان استراتژیک برای عبور مجاهدین از داخل مرزهای ما به سوریه است. حمایت لجستیکی از گروه های اسلام گرا (داعش) افزایش می یابد و آموزش، مراقبت های بیمارستانی و عبور امن آن ها غالباً در هاتای انجام می شود. سازمان اطلاعات ترکیه ۴ و اداره امور مذهبی، استقرار جنگجویان در اماکن عمومی را هماهنگ خواهند کرد.» (Radikal, 2014). به علاوه، یک خبرگزاری آمریکایی به نقل از یک سرویس جاسوسی مصر فاش کرده است که ترکیه ده هزار گذرنامه ترکیه ای را به منظور تسهیل در رفت و آمد داعش در کشورهای منطقه در اختیار آنها قرار داده است (انسیتو تحقیقات استراتژیک روسیه به نقل از WND، ۱۳۹۶: ۱۳۱). اسکای نیوز بریتانیا نشان می دهد دولت ترکیه پاسپورت شبه نظامیان خارجی را که به دنبال عبور از مرز ترکیه به سوریه برای پیوستن به داعش هستند، مهر زده است (Presstv, 2014). از این رو، می توان نقش نو عثمانی گرایان را در تسریع پیشروی های داعش پررنگ ارزیابی کرد.

CHP^۱
PKK^۲
PYD^۳
MIT^۴

۳) آموزش به جنگجویان داعش: طبق گزارش‌های سی‌ان‌ان ترکیه، مناطق دوزچه و آداپازاری در استامبول به محل تجمع تروریست‌های داعش تبدیل شده است که به آنها آموزش داده می‌شود (CNN Turk, 2014). به گفته دمیرچلیک، نماینده پارلمان از حزب دموکراتیک خلق ترکیه، نیروهای ویژه ترکیه به همراه داعش می‌جنگند. همچنین یک سازمان اسلامی جنگجو، قول حمایت از داعش را داد (Phillips, 2014). یک خبرگزاری آمریکایی گزارش می‌دهد در سپتامبر ۲۰۱۵، یک گروه مجهز متشکل از مبارزان مجرب واحدهای ویژه ترکیه تحت نظارت سازمان میت در صفوف داعش فعالیت می‌کنند (انستیتو تحقیقات استراتژیک روسیه، ۱۳۹۶: ۱۳۰). بنابراین، مبتنی بر منابع متعدد میتوان گفت نو‌عثمانی گرایان در آموزش به داعشیان همکاری داشتند.

۴) ارائه خدمات پزشکی به جنگجویان داعش: گزارشات متعددی حاکی از مداوا شدن جنگجویان داعش در بیمارستان‌های ترکیه دارد. برای نمونه، به گزارش روزنامه طرف، احمد الح، یکی از فرماندهان ارشد داعش و دست‌راست البغدادی، به همراه سایر شبه‌نظامیان داعش در بیمارستانی در سالنیورفای ترکیه مداوا شدند و دولت ترکیه هزینه درمان آنها را پرداخت کرد (Phillips, 2014). فلذا، ترکیه متهم به درمان تروریست‌های داعش نیز می‌باشد.

۵) حمایت مالی ترکیه با خرید نفت از داعش: مبتنی بر گزارشاتی مانند گزارش دیکن، افراد ترک به‌عنوان واسطه برای کمک به فروش نفت داعش از طریق ترکیه عمل کردند (Diken, 2014). طبق ادعای روزنامه‌های آلمانی، بلال اردوغان، فرزند رئیس‌جمهور ترکیه، وزیر نفت داعش است (Activist Post, 2015). در این راستا، گزارشات زیادی حاکی از کمک ترکیه برای فروش نفت داعش و عدم سرکوب کامل شبکه گسترده فروش نفت آن توسط ترکیه به دلیل سود بردن از قیمت پایین تر نفت منتشر شده است.

۶) کمک به جذب داعش: گزارشاتی مانند ادعای کمال قلیچ‌داراوغلو مبنی بر وجود دفاتر جذب جنگجویان داعشی در شهرهای آنکارا، استانبول و غازی عینتاب (Cumhuriyet, 2014) و یا تبلیغ سایتهی منتسب به حزب عدالت و توسعه برای استخدام ترک‌زبانان در ترکیه و آلمان برای عضویت در داعش این اتهام را تأیید می‌کند.

۷) کمک ترکیه به داعش در نبرد کوبانی: طبق شواهد، ترکیه در حمله داعش به کوبانی نقش داشته است. هراس رهبران ترک از گرایشات استقلال طلبی کردهای سوریه (که در مناطق شمال و شمال شرقی سوریه ساکن هستند) و تسری این احساسات به کردهای ترکیه می‌باشد. شهردار کوبانی بیان می‌کند که دو روز قبل از شروع جنگ کوبانی، قطارهای پر از نیرو و مهمات که

از شمال کوبانی عبور می‌کردند، توقف‌هایی در روستاهای شرق کوبانی داشتند که به احتمال زیاد حامل مهمات و نیروی اضافی برای داعش بودند (Phillips, 2014). بنابراین در زمان حمله داعش به کوبانی در اکتبر ۲۰۱۴، رهبران ترک نه تنها از کردها حمایت نکردند، بلکه حتی به کردهای ترکیه نیز اجازه ندادند به کمک برادران کرد خود بشتابند که همین عامل سبب اعتراضات عمومی کردها در ترکیه شد (انستیتو تحقیقات استراتژیک روسیه، ۱۳۹۶: ۱۲۶). فلذا، می‌توان به نقش ترکیه در حمله داعش به کوبانی پی برد.

۸) مشترک بودن جهان‌بینی ترکیه و داعش: مفتی اوغلو، مشاور سابق عبدالله گل، ارتباط ترکیه و داعش را فقط منحصر در مرزهای باز و بعد لجستیک نمی‌داند، بلکه رسانه‌های دولتی به تقدیس مبارزان علیه بشار اسد پرداخته و سازمانهای غیردولتی اسلامی و مسلمانان اهل سنت هم به این گروه کمک کرده‌اند. فلذا، نوعی ربط ایدئولوژیک، مذهبی و اجتماعی وجود دارد (Muftuoglu, 2016). روزنامه‌نگار حریت دیلی در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۴ به نقل از کارمندان دولتی ترکیه بیان می‌کند: «آنها (داعش) مثل ما هستند که در جنگ استقلال علیه هفت قدرت بزرگ می‌جنگد». کارمند دیگری نقل کرد: «به جای پ ک ک در همسایگی خود، داعش را به عنوان همسایه ترجیح می‌دهم» (Ozyurt, 2014). این تلقی از داعش، حاکی از ارائه تصویر مثبت از آن در اذهان عمومی در تبلیغات‌های دولتی می‌باشد.

در مجموع، در عرصه بین‌الملل، در خصوص وجود ارتباط بین ترکیه و داعش، یک اجماع نسبی مبتنی بر گزارشات وجود دارد. این اتهام بالاخص در نبرد کوبانی به اوج خود رسید و ترکیه را به حمایت مستقیم و غیرمستقیم از داعش متهم کرد. بنابراین، ترکیه زمانی که متوجه شد سیاست انفعال و صبر در قبال داعش جواب‌نداد و باعث رفع تهدیدات پ.ی.د نشد، برای اثبات اینکه ترکیه طرفدار داعش نیست، خود مستقیماً وارد درگیری‌های شمال سوریه شد. البته اقدام ترکیه علیه داعش رانمی‌توان یک تقابل قاطع جهت نابودی این گروهک تروریستی دانست بلکه نوعی تقابل ضعیف و عمدتاً تاکتیکی بود (قاسمی، ۱۳۹۵، ۱۱۰). فلذا، می‌توان گفت نوحثمایی گرایان ترک، در قبال داعش مبتنی بر دال‌عمل‌گرایی این گفتمان اقدام کردند.

رویکرد محور مقاومت به رهبری ایران به بحران سوریه و مبارزه با معرضین مانند داعش، حمایت از دولت قانونی سوریه بود و تنها راه‌حل خروج از این بحران را، گفتگوهای سیاسی و آشتی ملی می‌داند. بر همین اساس، جمهوری اسلامی علاوه بر حمایت از دولت قانونی سوریه، از نیروهای محور مقاومت در مبارزه با مخالفین مسلح و داعش نیز حمایت کرد به طوری که به

درخواست دولت سوریه، در چارچوب کمک‌های مستشاری نظامی به ارتش، گروه‌های مردمی و محور مقاومت مانند حزب‌الله، حشدالشعبی، فاطمیون، زینیون و حیدریون نقش آفرینی کرد.

در این راستا، می‌توان گفت تفاوت در مواضع نوعثمانی گرایان و محور مقاومت اسلامی نسبت به داعش، ریشه در تفاوت گفتگومانی این دو جریان دارد. در واقع، اندیشه و عملکرد داعش در منطقه‌خاورمیانه و به‌ویژه سوریه و عراق سبب مفصل‌بندی مجدد عناصر پراکنده (از قبیل ایران، سوریه، روسیه، عراق و حزب‌الله) شد که توانست هویتی جدید با عنوان «محور مقاومت» به رهبری ایران شکل دهد. در مقابل، رهبران نوعثمانی گرای ترک در ابتدا با حمایت از داعش در صدد کسب منافع و دستیابی به هژمونی گفتگومان خود برآمدند اما زمانی که گفتگومان خود را در وضعیت حاشیه‌ای یافتند، به مبارزه با داعش پرداختند.

نتیجه‌گیری

با بررسی دو گفتگومان محور مقاومت اسلامی و نوعثمانی‌گرایی، به این مسأله پی می‌بریم که به لحاظ گفتگومانی یک تقابل غیرمستقیم بین آنها وجود دارد. نکته مهم این است که از یک سو، نوعثمانی‌گرایان ترکیه بنا دارند در صدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۲۰۲۳ میلادی، به‌عنوان بازیگری تعیین‌کننده در منطقه و در واقع قدرت منطقه‌ای شناخته‌شود و از سویی دیگر، جمهوری اسلامی ایران که رهبری محور مقاومت را برعهده دارد، نیز بر مبنای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، باید در جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای قرار گرفته‌باشد. فلذا، یک تقابل طبیعی بین این دو گفتگومان را شاهد خواهیم بود.

علی‌رغم وجود اختلاف نظرات پیرامون نوع نگرش ترکیه به سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، نگارندگان معتقدند رهبران این حزب با تکوین و غنابخشی به گفتگومان نوعثمانی‌گرایی، در سیاست‌های خود مبتنی بر این گفتگومان اقدام نموده و در صدد احیای نفوذ خود تا مرزهای امپراتوری عثمانی، بازیابی اقتدار گذشته و امپریالیسم می‌باشند. همچنین، سیاست تنش‌زدایی با همسایگان در سالهای اولیه حکومت حزب عدالت و توسعه را نمی‌توان در تعارض با ایفای نقش فعال نظامی و سیاسی ترکیه به کشورهای جهان اسلام بعد از تحولات بیداری اسلامی دانست. در هر دو حالت، نوعثمانی‌گرایان با ابزارهای مختلف که مبتنی بر دال مرکزی اسلام لیبرال و دال‌های ناسیونالیسم، سکولاریسم و پراگماتیسم و... می‌باشد، در صدد رسیدن به منافع و آرمان خود یعنی ارائه یک الگو از کشور تراز اسلامی، رسیدن به هژمونی منطقه‌ای و ام‌القرایی در جهان اسلام، احیای ژئوپلیتیک عثمانی و برپایی میراث چندفرهنگ‌گرای آن

و... هستند. بدین ترتیب، نوعثمانی را باید به مثابه یک گفتمان در نظر بگیریم نه یک نظریه. نوعثمانیسم توانایی ارائه نظریات متفاوت را دارد. به این دلیل که نظریه را می‌توان پاسخ یک گفتمان با اصول پایدار به شرایط زمانی و مکانی مختلف دانست.

بعد از تحولات بیداری اسلامی ۲۰۱۱، بالاخص در جریان بحران سوریه، شاهد پررنگ شدن تقابل بین این دو گفتمان هستیم. در واقع، بحران سوریه را می‌توان عرصه تقابل شدید منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. محور مقاومت و نوعثمانیسم ترکی به عنوان دو گفتمان با دال‌های متفاوت، در قبال داعش به عنوان جریان معارض سوریه و دشمن محور مقاومت، رویکردهای مختلفی اتخاذ کردند. در این خصوص، نوعثمانیسم جهت جلوگیری از قدرت‌یابی محور مقاومت در عراق و سوریه و همچنین تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای خود، علی‌رغم تروریستی خواندن داعش، به حمایت از معارضین دولت سوریه از جمله داعش مبادرت کرد و در مقابل، محور مقاومت اسلامی، مبتنی بر دال‌های گفتمانی خود، خواهان حفظ نظام سیاسی سوریه در عین انجام اصلاحات دموکراتیک بود. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر، نوعثمانی‌گرایی به مثابه جریان معارض مقاومت اسلامی شناخته می‌شود که با توجه به دال مرکزی اسلام‌لیبرال آن، همواره در تقابل با گفتمان مقاومت اسلامی با دال مرکزی اسلام سیاسی می‌باشد.

گفتمان مقاومت اسلامی	گفتمان نوع‌ثمنانی گرایي
<p>(۱) اسلام سیاسی مبتنی بر جدایی ناپذیری دین و سیاست</p> <p>(۲) استکبارستیزی و مقاومت در برابر بیگانگان</p> <p>(۳) همزیستی عادلانه و تاکید بر صلح و دوری از خشونت و تحقق عدالت در جهان</p> <p>(۴) آرمان‌گرایی واقع بینانه و تاکید بر شناخت دقیق زمان و مکان در عین التزام به اصول و آرمانها</p> <p>(۵) وحدت جهان اسلام و ممانعت از چنددستگی و فرقه‌گرایی</p>	<p>(۱) اسلام لیبرال مبتنی بر سکولار بودن دولت و شخصی سازی دین</p> <p>(۲) ناسیونالیسم ترکی کمرنگ تر از کمالیستها و تاکید بر احقاق حقوق اقلیت‌ها</p> <p>(۳) دولت سکولار متأثر از سیره پادشاهان عثمانی</p> <p>(۴) دموکراسی و تاکید بر قانون اساسی دموکراتیک و رایه یک مدل دموکراسی اسلامی معاصر مبتنی بر ارزش‌های جهانی</p> <p>(۵) رابطه متوازن با شرق و غرب و تاکید بر سیاست خارجی چندبعدی و تنش‌زدایی با همسایگان</p> <p>(۶) عمل‌گرایی در راستای جلب حمایت طیف‌های سیاسی مختلف و همچنین استفاده از اسلام در راستای جمع‌آوری حمایت مردمی و نفوذ بیشتر در خاورمیانه</p>

جدول ۳: مقایسه گفتمان مقاومت اسلامی و نوع‌ثمنانی گرایي

فهرست منابع

۱. احمدی طباطبایی، سید محمد رضا، پیروزفر، مهدی (۱۳۹۷). اسلام سیاسی مدرن در ترکیه؛ مطالعه موردی اندیشه و آموزه های سیاسی نجم الدین اربکان، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، صص ۳۰۷-۲۸۹.
۲. اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۹). مترجمان: صفاالدین تبرائیان، محمد ابراهیم ریاضی، میثم صفری، جنگ جهانی بر ضد سوریه؛ شکست توطئه علیه محور مقاومت، نشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳. انستیتو تحقیقات استراتژیک روسیه (۱۳۹۶). مترجم: پرویز قاسمی، داعش تهدیدی برای امنیت بین المللی، نشر دانشگاه امام صادق.
۴. بصیری، محمد علی، افشاری، عبدالرحمن، نجفی، داود (۱۳۹۵). اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۵-۴۹.
۵. پوستین چی، زهره، متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین الملل، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره یکم، صص ۱۲۹-۹۷.
۶. پیشگاهی فرد، زهرا، مصطفوی، غلامعلی، ذکی، یاشار، تحلیل مواضع ترکیه در قبال تحولات منطقه (مورد مطالعه: داعش). فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۳۲، زمستان، صص ۴۶-۲۳.
۷. خواجه سروی، غلامرضا، رحمنی، مریم (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در لبنان، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۴۶-۱۲۵.
۸. داوود غلو، احمد (۱۳۹۵). مترجم: محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، عمق راهبردی، نشر امیر کبیر.
۹. سلیمانی، غلامعلی، رضا پور، دانیال، فاضلی، سامان (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی سیاست خارجی کمالیست ها و پسا کمالیست ها در جمهوری ترکیه، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره دوم، صص ۲۴۱-۲۱۵.

۱۰. شیرودی، مرتضی، نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۳). سیاست در اسلام لیبرالی (بررسی و نقد اندیشه‌های سیاسی در گفتمان اسلام میانه‌رو ترکی). پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال اول، شماره دوم، صص ۸۳-۱۱۱.
۱۱. صیادشیرازی، مهدی، محمدی، فرزاد (۱۳۹۹). مقایسه اسلام اجتماعی جنبش فتح‌اله گولن با اسلام سیاسی رجب طیب اردوغان، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره پنجم، شماره ۵۶، صص ۳۱-۵۸.
۱۲. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره سی و هشتم، صص ۲۹-۵.
۱۳. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵). استراتژی ترکیه در قبال داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره ۳، پیاپی ۷۳، صص ۹۳-۱۱۴.
۱۴. قربانی، مصطفی، غفاری، سلیمان، کارگشورکی، علی (۱۳۹۹). راهبرد نگاری نقش آفرینی جمهوری اسلامی در محور مقاومت اسلامی با تحلیل SWOT، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۳۳، صص ۱۵۵-۱۷۶.
۱۵. کوشکی، محمدصادق، رنجبر، مصطفی (۱۳۹۵). سیاست خارجی در غرب آسیا احزاب اسلام‌گرای ترکیه و سیاست منطقه‌ای (از ابتدا تا ۲۰۱۲). تهران: نشر خرسندی.
۱۶. گل محمدی، ولی (۱۳۹۸). ادراک رهبران و تحولات سیاست خارجی ترکیه، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
۱۷. محمودی رجا، سیدزکریا، باقری دولت‌آبادی، علی، راوش، بهنام، بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۴، صص ۷-۲۸.

18. Activist Post(2015).Bilal Erdogan:The Real ISIS Oil Minister,December4,Retrieved From: Bilal Erdogan: The Real ISIS Oil Minister - Activist Post
19. Albayrak,Didem Özdemir,Turan,Kürşad(2016).“Neo-Ottomanism in Turkish Foreign Policy Through the Lenses of the Principal-Agent Theory”,SSPS,Vol.1,Issue1,pp.129-154.
20. Albayrak,Ayla(2014).“Turkey’s Erdogan Makes Victory Speech:The Breakdown”,Wall Street Journal,,August 11,Retrieved From: Turkey's Erdogan Makes Victory Speech: the Breakdown - WSJ
21. Alekseevich,Avatkov Vladimir(2018).“Neo-Ottomanism as a Key Doctrine of Modern Turkey”, Communication and Public Diplomacy,Vol.1,No.1,pp 80-88.
22. Ataman, Muhittin(2003).“Özalist Dış Politika: Aktif ve Rasyonel Bir Anlayış”,Bilgi(7).Issue2,pp.49-64.
23. Batashvili,David(2017).“How Turkey exercise its new grand strategy: an outline”,Georgian Foundation for Strategic and International Studies.
24. Cinar,Alev(2011).“The Justice and Development Party:Turkey's experience with Islam,democracy,liberalism,and secularism”,International Journal of Middle East Studies,Vol.43,No.3,pp.529-541.
25. CNN Turk(2014).“They picnicked in Istanbul and called for jihad”,July29,Retrieved From: İstanbul'da piknik yapıp cihat çağrısında bulundular (cnnturk.com)
26. Cumhuriyet(2014).Kilicdaroglu:“Davutoglu,you wanted a document,here's a document”,October14,Retrieved From: Kilicdaroglu: 'Davutoglu, you wanted a document, here's a document' (cumhuriyet.com.tr)

27. Danforth, Nicholas (2008). "Ideology and pragmatism in Turkish foreign policy: from Atatürk to the AKP", *Turkish Policy Quarterly*, Volume 7, Number 3, pp. 83-95.
28. Daloglu, Tulin (2013). "Davutoglu Invokes Ottomanism As a New Order for Mideast", *Al-Monitor*, March 10, Retrieved From: <https://www.al-monitor.com/originals/2013/03/turkey-davutoglu-ottoman-new-order-mideast.html>
29. Diken (2014). "ABD Hazine Bakanlığı: IŞİD'in petrol satışına Türkler de aracılık ediyor", October 24, Retrieved From: ABD Hazine Bakanlığı: IŞİD'in petrol satışına Türkler de aracılık ediyor - Diken
30. Davutoglu, Ahmet (2010). "Turkish Foreign Policy and The EU in 2010", *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 8, No. 3.
31. Faiola, Anthony, Mekhennet, Souad (2014). "In Turkey, a late crackdown on Islamist fighters", August 12, Retrieved From: https://www.washingtonpost.com/world/how-turkey-became-the-shopping-mall-for-the-islamic-state/2014/08/12/5eff70bf-a38a-4334-9aa9-ae3fc1714c4b_story.html
32. Gontijo, Lorenzo C.B., Barbosa, Roberson S. (2020). "Erdogan's pragmatism and the ascension of AKP in Turkey: Islam and neo-Ottomanism", *Digest of Middle East Studies*, pp. 1-16.
33. Grigoriadis, Ioannis N. (2009). "Islam and democratization in Turkey: secularism and trust in a divided society", *Democratization*, 16:6, pp. 1194-1213.
34. Hale, William, Ozbudun, Ergun (2010). *Islamism, Democracy and Liberalism in Turkey*, Routledge.
35. Heper, Metin, Toktas, Sule (2003). "Islam, Modernity, and Democracy in Contemporary Turkey: The Case of Recep Tayyip Erdogan", *The Muslim World*, Vol. 93, pp. 157-185.
36. Murison, Alexander (2006). "The strategic depth doctrine of Turkish foreign policy", *Middle Eastern Studies*, 42(6), pp. 945-964.

37. Ozyurt,Ahu(2014).“Sympathy for the devil that is ISIL”,September26,Retrieved From: Sympathy for the devil that is ISIL (hurriyetdailynews.com)
38. Philips,L.David(2014).“Research Paper: ISIS-Turkey Links”,November9,Retrieved From: https://www.huffpost.com/entry/research-paper-isis-turke_b_6128950
39. Press TV(2014).“new report shows turkeyisil links”, October21,Retrieved From: www.presstv.ir
40. Radikal(2014,June13).“MIT hosted ISIS on the orders of Muammar Guler”,Retrieved From: 'MIT hosted ISIS on the orders of Muammar Guler' - Policy News - Radical (radikal.com.tr)
41. Samanyoluhaber(2014,November14).“Kilicdaroglu shows document of weapons going to ISIS”,Retrieved From: Kilicdaroglu shows document of weapons going to ISIS (samanyoluhaber.com)
42. Saraçoğlu,Cenk, Demirkol,Ozhan(2015).“Nationalism and Foreign Policy Discourse in Turkey Under the AKP Rule:Geography,History and National Identity”,British Journal of Middle Eastern Studies,42:3,pp.301-319.
43. Tanspinar,Omer(2012).“Turkey’s Strategic Vision and Syria”,The Washington Quarterly,35:3,pp.127-140.
44. Yavuz,Hakan M. (1998).“Turkish identity and foreign policy in flux: The rise of Neo-Ottomanism”,Critique:Critical Middle Eastern Studies,7:12,19-41.
45. Yavuz,Hakan M. (2020). Nostalgia for the Empire The Politics of Neo-Ottomanism,Oxford University Press.
46. Yavuz,Hakan M. (2019). “Understanding Turkish secularism in the 21th century:a contextual roadmap”,Southeast European and Black Sea Studies,DOI: 10.1080/14683857.2019.1576367

47. Yilmaz,Ihsan,Bashirov,Galib(2018).“The AKP after 15years:emergence of Erdoganism in Turkey”,Third World Quarterly,pp.1812-1830.